

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه ۲۴

سطح ۲

درس ۷

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار: آقای خادمی

## مقدمه

در درس گذشته برخی از احکام کلی نگاه کردن و ادله آنها مطرح شد؛ یکی از احکام نگاه، جواز نگاه مرد به دست و صورت زن می باشد که سه دلیل برای مدعا بیان شده است که در درس قبلی به دو دلیل آن اشاره و در ابتدای درس، دلیل سوم مورد بررسی واقع می گردد.

در ادامه موضوع نگاه کردن زن به مرد و ادله آن مطرح می شود و نظرات فقها پیرامون آن طرح می گردد. مصنف در پایان قول جواز نظر زن به بدن مرد را انتخاب می نماید.

## دلیل سوم بر جواز نگاه کردن به دست و صورت زنان

دلیل سوم برای جواز نگاه کردن به دست و صورت زنان مسلمان قول خدای متعال است که می‌فرماید: «و اطراف روسری‌های خود را بر گردن خود افکنند»<sup>۱</sup> در این آیه وجوب پوشاندن مختص به سینه زنان شده است (صدر و سینه) و به وجوب پوشاندن صورت اشاره‌ای نمی‌کند لذا از آیه عدم وجوب پوشش صورت فهمیده می‌شود زیرا اگر پوشش صورت نیز واجب بود باید آیه وجوب پوشش صورت را بیان می‌کرد؛ زیرا خمار و روسری به پارچه‌ای گفته می‌شود که عاده روی صورت را نمی‌پوشاند بلکه دو طرف آن روی گردن و سینه به هم می‌رسد و آن مواضع را پوشش می‌دهد.

اشکال: بر این استدلال نیز اشکال سابق وارد می‌شود و آن این که جواز نگاه به صورت و دست نیاز به ثبوت ملازمه دارد یعنی باید بین عدم وجوب پوشش و جواز نظر مرد ملازمه وجود داشته باشد و حال آنکه این ملازمه ثابت نمی‌باشد.

نکته: برای استثنا شدن صورت و دست‌ها از حکم حرمت نگاه کردن به سه دلیل اشاره شد و این نتیجه به دست آمد که اگر قائل شدیم بین آشکار ساختن صورت و دست‌ها با نگاه کردن به آنها، ملازمه وجود دارد نظر کردن به صورت و دست‌های زنان جایز می‌باشد<sup>۲</sup> اما اگر قائل شدیم که بین جواز آشکار ساختن و نگاه کردن ملازمه‌ای نیست نتیجه این می‌شود که برای زنان جایز است که صورت و دست‌ها را در مواجهه با نامحرم نپوشانند اما در عین حال برای مردان جایز نیست به آنها نگاه کنند<sup>۳</sup>.

### تطبیق

۱. جیوب، جمع جیب است و به معنای صدر و سینه است و خمار به معنای روسری بزرگی است که روی سینه را نیز می‌پوشاند

۲. إن قلت: جواز الاظهار و عدم وجوب الستر لا يدل على جواز النظر، لإمكان الأمر بغض النظر مع ترخيص ترك الستر، و لا منافاة بينهما، و لا يكون هناك إعانة على الإثم.

قلت: عدم المنافاة عقلا صحيح، و لكن الانصاف، هو التلازم بين جواز ترك الستر و جواز النظر، و لذا لا يزال الفقهاء يستدلون بقوله تعالى: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»، على جواز النظر إلى وجه المرأة و كفها؛ الحاصل ان جواز احدهما ملازم عرفا لجواز الآخر، و لا دخل للمسألة بمسألة الإعانة على الإثم، فتلخص من جميع ذلك أن مسألة الحجاب و النظر، هنا أوسع. و الله العالم «أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)، ص: ۸۲».

۳. قد عرفت أن ظاهر الأصحاب القائلين بجواز النظر إلى الوجه و الكفين، استثناء صورتي قصد التلذذ، و خوف الوقوع في الحرام، و هو المسمى بالريبة عندهم؛ و الظاهر أنه مما وقع التسالم فيه بينهم. قال في الجواهر، بعد التصريح بأن المراد من الريبة هو خوف الفتنة - و إن كان يظهر من بعضهم التفاوت بينهما بناء على كون المراد بالريبة، هو ما يخطر بالبال عند النظر من صورة المعصية، و إن كان لا يخاف الوقوع فيها - ما نصه: و الأمر سهل بعد معلومية الحرمة عند الأصحاب، و المفروغية منه، و اشعار النصوص بل ظهورها بل صريح بعضها فيه؛ فلا وجه للمناقشة في الثاني منهما بعدم ثبوت حرمة ذلك بمجرد احتمال الوقوع في المحرم، ضرورة كون المستند ما عرفت، لا هذا، كما هو واضح. و قد رأيت بعض من لا خبرة له بالفقه ممن يدعى فقها و لا فقه له، في عصرنا يترددون في الأول أيضا أو يصرحون بالجواز و إن قصد التلذذ، أعاذنا الله من همزات الشياطين.

و يدل على المقصود، مضافا إلى أنه مفروغ عنه عند الأصحاب، كما يظهر من كلماتهم و قد عرفت ذكر القيد في كلمات أهل السنة، مما يظهر منه التسالم فيه، حتى إنهم لم يذكروا له دليلا، لوضوحه؛ و مضافا إلى ما هو المعلوم من مذاق الشارع الذي يأمر بعدم الجلوس في محل جلست فيه امرأة حتى برد «أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)، ص: ۷۷»

متن: ج- التمسک بقوله تعالى: وَ لِيُضْرَبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ، فان تخصيص الجيوب<sup>١</sup> بوجوب الستر يدل على عدم وجوب ستر الوجه و الا كان اولی بالذکر من الجیب لان الخمار لا یستر الوجه عادة بل الجیب.

ترجمه: تمسک به سخن خدای بلند مرتبه «و باید روسری‌های خو را بر گردن افکنند» که وجوب پوشش مخصوص گردن شده است (و) دلالت می‌کند که پوشش صورت واجب نیست و اگر پوشش صورت در آیه واجب بود سزاوار تر از ذکر گردن بود، زیرا روسری (خمار) عادتاً صورت را نمی‌پوشاند بلکه گردن را می‌پوشاند. متن: و دلالتها لا تتم الا بضم الملازمة السابقة.

ترجمه: دلالت این آیه تام و کامل نیست مگر این که ملازم قبلی را ضمیمه (استدلال) کنیم. (یعنی عدم پوشش صورت با جواز نگاه کردن به آن ملازمه دارد).

هذه وجوه ثلاثة لاستثناء الوجه و الكفين من حرمة النظر.

این ادله سه گانه برع دم حرمت نگاه به صورت و دست‌ها دلالت دارند (البته این نکته را باید ذکر کنیم که همه ادله با ملازمه ثابت می‌شود)

و قد اتضح ان الملازمة المتقدمة ان لم تتم فلا بدّ من التفصيل بين الابداء من قبل المرأة فيجوز و بين نظر الأجنبي فلا يجوز.

به تحقیق روشن شد که اگر ملازمه قبلی تام و کامل نباشد باید بین جواز نمایان کردن از طرف زن و بین عدم جواز نگاه نامحرم تفصیل قائل شویم (تفصیل این که است که زن می‌تواند صورت و دست‌ها را نمایان کند ولی مرد نمی‌تواند به آن نگاه کند).

### عدم جواز نگاه زن به بدن مرد

آیا زن می‌تواند به بدن مرد نگاه کند؟ برخی ادعا کرده‌اند که در حکم به عدم جواز فرقی بین زنان و مردان نیست لذا زن نمی‌تواند به بدن مرد نگاه کند و برای این ادعا تمسک به اجماع شده است.

١. جمع جیب بمعنی الصدر، لاحظ: مجمع البحرين، ٢/٢٨

٢. أقول: هذه المسألة أيضا مفروغ عنها بين الأصحاب.

قال في الحدائق: الظاهر أنه لا خلاف في تحريم نظر المرأة إلى الأجنبي، أعمى كان أو مبصرا. و قال المحقق النراقي في المستند: و كلما ذكر فيه جواز نظر الرجل إلى المرأة، يجوز فيه العكس بالإجماع المركب.

و مراده من الإجماع المركب، أن المجوز للنظر فيهما سواء، كالمانع، فمن أجاز في المرأة النظر إلى الوجه و الكفين أجازها هنا، و من منعه منعه هنا.

و قال في الرياض: و تتحد المرأة مع الرجل فتمنع في محل المنع، لا في غيره إجماعا. و قال ابن قدامة في المغني: أمّا نظر المرأة إلى الرجل ففيه روايتان؛ إحداها، لها النظر إلى ما ليس بعورة؛ و الاخرى، لا يجوز لها النظر من الرجل، إلّا إلى مثل ما ينظر إليه منها.

اختره أبو بكر و هذا أحد قولی الشافعی. ثم ذکر روایات تدل علی القول الثانی.

أدلة المسألة

و العمدة في المسألة آية الغض خطابا للنساء، قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا .... و هي عامّة، و لكن يستثنى منها الوجه و الكفان بالأولوية القطعية و تسالم الأصحاب. «أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)، ص: ٨٠»

اشکال: اجماعی حجت است که کاشف از رای و نظر معصوم باشد و چنین اجماعی در مسئله ثابت نشده است.

### ادله جواز نگاه زن به مرد

الف) سیره: سیره متشرعه که در میان افراد جامعه اسلامی رایج و مرسوم است و تا زمان معصوم نیز همین سیره وجود داشته است بر خلاف اجماع است؛ زیرا مردان در حالی در کوچه و خیابان ظاهر می‌شوند که سر و گردن آن‌ها باز و آشکار است و از سوی دیگر زنان نیز در کوچه و بازار رفت و آمد دارند و خرید و فروش می‌کنند بنابراین این اگر گفته شود که نگاه کردن به موضعی که معمولاً مردان در کوچه و بازار عادت به پوشاندن آن ندارند حرام است لازمه این قول این است که:

یا باید از سوی شارع رعایت حجاب بر مردان واجب شده باشد.

یا این که شارع دستور دهد زنان حق ندارند در مکان‌هایی که مردان در آنها هستند، حضور یابند.

و یا این که بگوید حضور در اجتماع مردان و گفتگو با آنها برای زنان جایز است اما نگاه کردن به آنها جایز نیست.

و تمام این سه مورد غیر محتمل و امکان‌پذیر نیست و شارع هیچ‌یک را بیان نکرده است.

نتیجه: خلاصه مباحث قبل این می‌شود که نگاه کردن زنان به موضعی که مردان عادتاً تمایل به پوشیدن آن ندارند جایز است.<sup>۱</sup>

ب) هنگامی که به منابع روایی مراجعه می‌کنیم درمی‌یابیم که در هیچ زمانی هیچ‌کدام از اصحاب ائمه در باره نگاه کردن زنان به مردان در جامعه اسلامی از ائمه سوالی نپرسیده‌اند و علت این سوال نکردن ممکن است سه چیز باشد:

الف) حرمت نگاه کردن زنان به مردان در معاشرت‌های اجتماعی روشن و بدیهی بوده است و لذا هیچ‌یک از اصحاب در باره حکم آن، سوالی مطرح نکرده‌اند.

ب) گرچه اصحاب ائمه در باره حکم آن شک داشته‌اند اما در عین حال سوالی از ائمه نپرسیده‌اند.

ج) جواز نگاه کردن زنان به مردان در معاشرت‌های اجتماعی واضح و روشن بوده است و لذا هیچ‌کس درباره حکم آن سوال نکرده است.

از بین این سه گزینه، سومی متعین است اما گزینه اول باطل است؛ زیرا هرگز نمی‌توان احتمال داد که مسأله حرمت نگاه کردن زنان به مردان واضح‌تر از مسئله حرمت نگاه کردن مردان به زنان بوده است.

---

۱. هذا ما هو المستفاد من كلمات الأصحاب، و ما يدل عليه من الأدلة؛ و إن كان ذكر المسألة في كلماتهم غالباً على نحو الاختصار حتى في الجواهر و المستمسك. و لكن الانصاف أن التي جرت عليه السيرة قديماً و حديثاً حتى في زمن النبي صلى الله عليه و آله و ما بعده من الأئمة المعصومين عليهم السلام، هو عدم ستر الوجه و الكفين، و شعر الرأس؛ و لذا ورد في وصف شعر النبي صلى الله عليه و آله أنه كان إلى اذنيه، أو ما ورد في حديث ورود الرضا عليه السلام نيشابور في وصف ذؤابته و غير ذلك، بل عدم ستر العنق و شيء من الصدر الذي يظهر من القميص، لا سيما إذا كان واسع الصدر، و عدم ستر القدمين و شيء من الساق عندهم بعد الأمر بتقصير الثياب، بل الظاهر عدم ستر الذراعين، لأن الرجال لا يزالون يتوضئون عن الأنهار و غيرها في أعين الناس و في الملاء العام. و عدم ستر هذه الأعضاء دليل على جواز النظر.

اما گزینه دوم نیز باطل است؛ زیرا اگر اصحاب در باره حکم نگاه کردن زنان به مردان در معاشرت‌های اجتماعی شک می‌داشتند سزاوار بود که سوال کنند زیرا بسیاری از اصحاب نسبت به احکام عملی خود مقید و مواظب بودند و دین‌مداری شاخصه اصلی زندگی شان بوده است پس چگونه می‌توان گفت در عین حالی که شک داشتند سوال نکرده اند؟!

تطبیق

متن: ۳- و اما نظر المرأة إلى الرجل، فقد ادعى الاجماع على مساواته لنظر الرجل في محل المنع و الجواز<sup>۱</sup>.

ترجمه: ۳. اما نگاه کردن زن به مرد طبق ادعای اجماعی که وجود دارد، از لحاظ حرمت و جواز با مرد مساوی است.

متن: و فيه: ان الاجماع الكاشف عن رأى المعصوم عليه السلام لم يتضح ثبوته، بل السيرة القطعية للمتشرعة المتصلة بزمان المعصوم عليه السلام على خلاف ذلك، فالرجال يخرجون و رءوسهم و أعناقهم مكشوفة، و النساء يختلطن معهم في الازقة و الأسواق فلو كان نظر المرأة إلى ما تعارف للرجل كشفه حين خروجه من بيته محرماً لزم القول اما بوجوب تستر الرجال أو عدم جواز الاختلاط أو جواز الاختلاط و التحدث مع حرمة النظر. و الكل غير محتمل.

ترجمه: مناقشه این قول: این که اجماعی که رای معصوم را کشف می‌کند ثبوتش برای ما روشن نشده است، بلکه سیره قطعی اهل شرع که به زمان معصوم متصل است، خلاف این اجماع را ثابت می‌کند و آن این که مردها از خانه خارج می‌شدند در حالی که سرها و گردن‌هایشان برهنه بوده است و با زن‌ها در کوجه و بازار مختلط می‌شدند و اگر این نگاه زن به مقدار متعارفی که نمایان‌کردنش در هنگام خروج مردان از خانه‌هایشان حرام بود لازم بود (از سوی شارع) گفته شود که پوشش بر مرد واجب است، یا اختلاط زن و مرد جایز نیست و یا اختلاط و گفتگو جایز است ولی زن نباید به سرو گردن مرد نگاه کند در حالی که همه این‌ها محتمل نیستند.

متن: و بهذا يثبت جواز نظر النساء إلى ما تعارف للرجال ابرازه.

ترجمه: با این دلایل ثابت می‌شود، نگاه کردن زنان به آن مقدار که در مردها نمایان‌کردنش متعارف است جایز است.

متن: و قد يستدل على الجواز - مضافاً إلى ما تقدم - بعدم وجود روايات يسأل فيها الاصحاب عن حكم نظر النساء إلى الرجال. و السبب في ذلك يعود اما إلى وضوح الحرمة لديهم أو الشك في ذلك أو وضوح الجواز. و المتعين هو الاخير، لبطان الآخريين:

ترجمه: گاهی - علاوه بر آنچه گفته شد - برای جواز نگاه استدلال می‌شود به عدم وجود روایتی که شخصی از حکم نگاه زن به مرد سوال کند و علت سوال نکردن صحابه از معصوم به دلیل این است که یا حکم حرمت نگاه برای آنها روشن بوده یا در حرمت شک داشته‌اند یا حکم جواز برای آنها واضح بوده است. فرض آخری متعین است زیرا دو فرض دیگر باطل است.

<sup>۱</sup>. رياض المسائل: ۵۳/۱۱.

متن: اما الاول لعدم احتمال أوضحية حرمة نظر النساء إلى الرجال من حرمة نظر الرجال إلى النساء،

ترجمه: اما بطلان فرض اول برای این که حکم حرمت نگاه زن به مرد روشن تر از حرمت نگاه مرد به زن نیست.

متن: و اما الثاني لان المناسب له صدور السؤال من الأصحاب.

ترجمه: اما بطلان فرض دوم برای این که مناسب این قول، سوال از اصحاب باید صادر می شد (در حالی که سوال

صادر نشده است).

### حرمت نگاه زن به مرد

در مقابل قول فوق، برخی از فقها برای حرمت نگاه زن به مرد به ادله ای استدلال کرده اند که عبارتند از:

الف: قرآن کریم: خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: « به زنان مومن بگو که نگاهشان را کوتاه کنند» و کلمه « یغضضن ابصارهن» را به معنای فروبستن دیدگان از نامحرم معنی کرده اند.

ب: روایات: برای حرمت نگاه زن به مرد به چند روایت نیز تمسک شده است؛

۱. روایت برقی: احمد بن ابی عبد الله برقی روایتی نقل می کند با این مضمون که ابن ام مکتوم از رسول خدا صلی الله علیه و اله اجازه ورود خواست در حالی که عایشه و حفصه نزد پیامبر حضور داشتند پیامبر صلی الله علیه و اله به آنان فرمود: از جای برخیزید و به اتاق بروید، آن دو گفتند: این مرد که نابینا است؟! حضرت فرمودند: اگر او به واسطه نابینایی اش نمی تواند شما را ببیند اما شما دو نفر که او را می بینید. بنابر این ظاهر این روایت دلالت می کند بر این که زنان اجازه ندارند به مردان نگاه کنند.

۲. روایت طبرسی: روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل شده است: « حضرت زهراء سلام الله علیها فرمودند: بهترین زنان کسانی اند که مردی را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند، وقتی این سخن به گوش پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله رسید حضرت فرمودند: فاطمه از من است» ظاهر این روایت نیز دلالت می کند که بر زنان جایز نیست مردان را نگاه کنند.

۳. روایت طبرسی: روایت دیگری طبرسی از ام سلمه نقل می کند که من نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله بودم و میمونه نیز آنجا بود که ابن ام مکتوم نابینا وارد شد حضرت خطاب به ما فرمودند: از این مرد حجاب بگیرید، ما عرض کردیم: ای پیامبر خدا این مرد نابینا است و ما را نمی بیند؟! حضرت فرمودند: آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی بینید؟! این روایت دلالت روشن تری دارد بر این که برای زنان جایز نیست به مردان نگاه کنند.

اشکال: این ادله قابل مناقشه است و در درس آینده اشکالات آن بیان خواهد شد.

### تطبیق

متن: و فی مقابل هذا قد يستدل على الحرمة:

ترجمه: در مقابل قول مذکور، گاهی برای حرمت نگاه زن به مرد، استدلال می شود:

متن: اما بقوله تعالى: وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...<sup>۱</sup>.

۱. النور: ۳۱.

ترجمه: یا به سخن خداوند بلند مرتبه: « به زنان مومن بگو که نگاهشان را کوتاه کنند»



متن: أو بما رواه أحمد بن أبي عبد الله البرقي: «استأذن ابن أم مكتوم على النبي صَلَّى اللهُ عليه وآله و عنده عائشة و حفصة فقال لهما: قوما فادخلا البيت فقالتا: انه أعمى فقال: ان لم يركما فانكما تريانه»<sup>۱</sup>.

ترجمه: و یا به روایت احمد بن ابی عبد الله برقی که می‌فرماید: « ابن ام مکتوم از پیامبر صلی الله علیه و آله اجاز ورود خواست در حالی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه و حفصه بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: بلند شوید و داخل اتاق بروید آنها گفتند او نابینا است . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر او شما را نمی‌بیند شما که او را می‌بینید».

متن: أو بما رواه الطبرسي في مكارم الأخلاق عن النبي صَلَّى اللهُ عليه وآله: «ان فاطمة قالت له في حديث: خير للنساء ان لا يرين الرجال و لا يراهن الرجال فقال صَلَّى اللهُ عليه وآله: فاطمة مني»<sup>۲</sup>.

ترجمه: و یا روایت طبرسی در مکارم اخلاق از پیامبر صلی الله علیه و آله « فاطمه علیها سلام در یک کلام فرمود: بهترین زنان کسانی هستند که نه مردان را می‌بینند و نه مردان آنها را می‌بینند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه از من است»

متن: أو بما رواه الطبرسي أيضا عن أم سلمة قالت: «كنت عند رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله و عنده ميمونة فأقبل ابن أم مكتوم و ذلك بعد ان أمر بالحجاب فقال: احتجبا فقلنا يا رسول الله صَلَّى اللهُ عليه وآله أ ليس أعمى لا يبصرنا؟ فقال: أ فعمياوان انتما أ لستما تبصرانه»<sup>۳</sup>.

ترجمه: و یا آن روایتی که طبرسی نیز از ام سلمه نقل می‌کند؛ ام سلمه گفت: « نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و میمونه نیز نزد او بود سپس ابن ام مکتوم آمد و (آمدن او) بعد از نزول حکم حجاب بود پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حجاب خود را درست کنید به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم ای پیامبر آیا مگر او کوری نیست که ما را نمی‌بیند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر چه او نابینا باشد شما که نابینا نیستید و او را می‌بینید».

۱. وسائل الشیعة ۱۴: ۱۷۱ الباب ۱۲۹ من أبواب مقدمات النکاح الحدیث ۱.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۱۷۲ الباب ۱۲۹ من أبواب مقدمات النکاح الحدیث ۳.

۳. وسائل الشیعة ۱۴: ۱۷۲ الباب ۱۲۹ من أبواب مقدمات النکاح الحدیث ۴.

## چکیده

۱. مفاد آیه «ولیضربن بخرهن علی جیوبهن» این است که زنها گردن هایشان را با روسری بپوشانند و این دلیل بر آن است که اگر پوشاندن صورت لازم بود سزاوار بود که در آیه ذکر شود.

۲. برخی گفته‌اند که موضوع نگاه کردن زن به مرد نیز همانند نگاه مرد به زن است و ادعای اجماع نیز شده است اما مصنف با تمسک به سیره متشرعه، چنین اجماعی را منتفی می‌داند.

۳. ادله جواز نظر زن به مرد عبارتند از :

الف: سیره متشرعه

ب: عدم وجود روایتی در این مسئله

۴. ادله قول به حرمت نگاه زن به مرد

\*آیه قرآن کریم

\*روایات

نظریه برخی از علما نگاه مرد به زن است به دلیل اجماع جایز نیست.

اقوال در نگاه زن به مرد

عدم سوال اصحاب از ائمه علیهم السلام

مصنف: جواز نگاه به دو دلیل

سیره قطعیه

قرآن کریم: قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن

ادله حرمت نگاه زن به مرد

روایات: مانند روایت برقی از ام مکتوم و روایت طبرسی

مصنف: ادله ناتمام است.